

سنجش منزلت اجتماعی معلمان در بین دانش آموزان^۱

دکتر عزت الله سام آرام^۲، محمد علی قائم پور^۳

چکیده

قشریندی اجتماعی فرایندی است که از طریق آن جایگاه اعتبار و حیثیت افراد هر جامعه متناسب با فرهنگ آن جامعه تعیین و مشخص می شود. کسب اعتبار و حیثیت از منابع مختلفی نظیر سیاست، اقتصاد، اجتماع و یا فرهنگ بدست می آید، این امر بستگی به این دارد که افراد در کدام یک از این ابعاد نقش آفرینی نمایند. معلمی از مشاغل است که در بعد فرهنگی جامعه ایفای نقش می کند و همیشه در سلسله مراتب اجتماعی، جایگاه اجتماعی آن مورد توجه بوده و هست. پژوهش حاضر، سطح منزلت اجتماعی معلمان را در بین دانش آموزان پیش دانشگاهی استان قم مورد سنجش قرار داد. نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان داد: منزلت اجتماعی معلمان در بین دانش آموزان بیش از سطح متوسط می باشد و بین مهارت های حرفه ای معلمان و ویژگی های فردی معلمان اعم از صفات جسمی و ویژگی های رفتاری معلمان با منزلت اجتماعی معلمان رابطه وجود داشت. این رابطه به احتمال بیش از ۹۹ درصد معنی دار می باشد. همچنین منزلت اجتماعی معلمان در بین دانش آموزان دختر بیش از منزلت اجتماعی معلمان در بین دانش آموزان پسر بود. این تفاوت نیز به احتمال بیش از ۹۹ درصد معنی دار می باشد.

واژگان کلیدی: منزلت اجتماعی، نقش شغلی، معلم، دانش آموز.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۹/۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۷/۱۲

^۱ این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد "سنجش منزلت اجتماعی معلمان در بین دانش آموزان پیش دانشگاهی استان قم" می باشد.

^۲ استاد جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبائی samaram@yahoo.com

^۳ دانشجوی دکتری جامعه شناسی فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) m.ghaempour@yahoo.com

مقدمه

قشربندی اجتماعی فرایندی است که از طریق آن جایگاه اعتبار و حیثیت افراد هر جامعه متناسب با فرهنگ آن جامعه تعیین و مشخص می شود. منزلت اجتماعی یا پایگاه اجتماعی یکی از ابعاد قشربندی اجتماعی است. از نظر توسلی (۱۳۶۹) پایگاه اجتماعی، مرتبه یا ارزش هر فرد در محیط گروهی، سازمانی یا اجتماعی را منعکس می کند. چلبی (۱۳۷۵: ۱۸۷) معتقد است: منزلت یا پرستیژ با مفاهیمی نظیر شهرت، اعتبار، حیثیت، آبرو، نفوذ، تایید اجتماعی و احترام هم خانواده است. از نظر کارکردگرایان «منزلت وجه احترام انگیز عمومی ترین و پایدارترین شکل قشربندی است زیرا آنچه انسانها به عنوان حیوانات اجتماعی بیش از برآوردن سایر نیازها بدان نیاز دارند شناخته شدن از سوی دیگران است.» (لیپست: ۱۳۸۱: ۵۴). بعد اجتماعی پایگاه، منزلت شغلی نامیده می شود که پایگاه اجتماعی افراد یک سازمان را نشان می دهد. (میچل، ۱۳۸۳). کسب اعتبار و حیثیت از منابع مختلفی نظیر سیاست، اقتصاد، اجتماع و یا فرهنگ بدست می آید، این امر بستگی به این دارد که افراد در کدام یک از این ابعاد نقش آفرینی نمایند. اهمیت نقش معلم از آنجا نشأت می گیرد که وی در جامعه به عنوان منبع معرفت علمی، آگاهی و شناخت، ایفای نقش می کند. لذا توان نظارتی، کنترلی و هدایتی او در هر جامعه ای بالاخص در جوامع جدید و برای نسل جدید بیش از پیش به طور آشکار قابل مشاهده است. با تامل در این خصوص معتقد است: «در جوامع جدید که تعلیم و تربیت رسمی تسلط پیدا می کند و گروه شغلی مهمی مرکب از معلمان به وجود می آید، تعلیم و تربیت (به عنوان منبع معرفت علمی) یکی از انواع عمده نظارت اجتماعی است که با دیگر انواع نظارت در حال رقابت و گاهی در تضاد می باشد. این تضاد ممکن است با تعمیم عالی به بخش وسیعتری از جمعیت، شکل بسیار حادی به خود بگیرد و ممکن است نظام آموزشی به طور روز افزون به صورت یکی از منابع عمده تغییر و نوآوری در هنجارهای اجتماعی درآید (باتامور، ۱۳۷۰: ۳۱۰) اما این معلم با این موقعیت ممتاز... زمانی قادر است از عهده وظایف آموزشی خود به خوبی و شایستگی برآید که برای پذیرش شغل مهمی که بر عهده دارد، از شأن و منزلت والائی برخوردار باشد.» (نعمتی، ۱۳۷۴) زیرا «موقعیت، منزلت و پایگاه اجتماعی بالا در روحیه معلمان و کارآئی آنها تأثیر به سزایی خواهد داشت.» (نوری، ۱۳۷۴، عباس زاده، ۱۳۷۴). سنجش سطح منزلت اجتماعی معلمان و بررسی ارتباط این منزلت، با ویژگی های فردی (اعم از جسمی و رفتاری) و مهارت های حرفه ای معلمان، از اهداف این پژوهش بوده است که در ادامه به آن می پردازیم.

طرح مسأله

در میان نهادها و ساختارهای اجتماعی، نهاد آموزش و پرورش، اولویت و اهمیت بیشتری دارد و در درون این نهاد، اولویت اول باید به معلم تعلق بگیرد. چون کارگزاران اصلی تعلیم و تربیت معلم است و تحقق اهداف متعالی نظام تعلیم و تربیت با واسطه معلم صورت می گیرد. (مهرمحمدی، ۱۳۷۹). از نظر وانهیل و کوک، برای بررسی نظام آموزشی یک کشور کافی است بینیم معلم در درون نظام آموزشی آن چه وضعیتی دارد، زیرا اعتبار یک نظام آموزشی به اعتبار مقام معلم آن نظام وابسته است. (قاسمی نژاد و اسماعیلی، ۱۳۸۳). از نظر بیکر و تریمن (۱۹۷۷) تاحدودی مردم سراسر جهان، مشاغل را به طور یکسان و مشابه رتبه بندی می کنند (نایی، ۱۳۸۱: ۵۴). از نظر گیدنز (۱۳۷۵) و چلبی (۱۳۷۵) جایگاه منزلت اجتماعی معلمان در ساختار سلسله مراتب قشربندی اجتماعی، در سطح متوسط است همچنین یافته ها مربوط به کشور های اروپائی بیان گر این است که حرفه معلمی منزلت اجتماعی رو به بالائی دارد (پاپلتون و رایز بروگ، ۱۹۹۰، دینهام و اسکات، ۲۰۰۰، به نقل از علی زاده و رضائی، ۱۳۸۸). در کشور هایی مانند آمریکا (هویل، ۱۹۹۵، تریمن، ۱۹۷۷) و تایوان (لین، ۱۹۹۹) حرفه معلمی نسبت به حرفه هایی مانند حسابداری، منزلت و احترام بالاتری دارد (به نقل از منبع پیشین) با این توصیف از نظر برخی دیگر، منزلت مشاغل، متناسب با شرایط و تحولات اقتصادی و اجتماعی تغییر می کند (میچل، ۱۳۸۳). در آغاز سال ۱۹۹۱ در دومین گردهمائی سازمان بین المللی کار (ILO) در زمینه شرایط کار معلمان این نتیجه حاصل شد که موفقیت معلمان [در برخی از کشورها] به مرحله فوق العاده پایینی تنزل کرده است. (ترجمه مهر محمدی، ۱۳۷۷: ۹). یا به گفته آنتون دی گراد، در چهارمین گزارش یونسکو در باره آموزش و پرورش، به نحو متقاعد کننده ای استدلال شده است که در حال حاضر در اکثر کشورها، انتظاری که از معلمان می رود با پاداش

و حقوقی که دریافت می کنند تناسبی ندارد (نویدی به نقل از رحمانی، ۱۳۸۳). شواهد موجود حاکی از آن است که وضعیت منزلت اجتماعی معلمان در ایران نیز سؤال بر انگیز شده است تجمع و اعتراض های متعدد از جانب معلمان در دهه هشتاد (هجری شمسی) نسبت به به موقیت معیشتی، اقتصادی، اجتماعی و منزلتی خود گویای این مسأله می باشد. تجمع سه هزار نفری معلمان دریکی از مراکز تربیت معلم تهران و مذاکره کردن رئیس مجلس و رئیس جمهور وقت با نمایندگان معلمان در دی ماه سال ۱۳۸۳ (روزنامه شرق، ۴ بهمن ۱۳۸۳) و تشدید مجدد این اعتراضات در سال های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ (اثنی عشری، ۱۳۸۶)، نمونه ای از این موارد است. نتایج و یافته های پژوهشی در داخل ایران، نیز بر خدشه وارد شدن منزلت اجتماعی معلمان، صحه می گذارد. به عنوان مثال قاسمی نژاد و اسماعیلی (۱۳۸۱) در پژوهش خود، موقعیت اجتماعی معلمان را پایین ارزیابی کردند. رحیمی حسن آباد (۱۳۷۹) علل کاهش انگیزه در بین معلمان را ناشی از پایین آمدن منزلت اجتماعی آنان می داند. عمادزاده (۱۳۷۷) و قائم پور (۱۳۷۶) در مطالعات خود نشان دادند انتخاب رشته دبیری و شغل معلمی حتی برای دانشجویان مراکز تربیت معلم، نسبت به سایر رشته ها یا شغل ها در پایین ترین اولویت قرار دارند. سحرخیز (۱۳۷۴)، صادقی کلیشادی (۱۳۸۲)، شاهی (۱۳۸۱)، مرادی (۱۳۷۴)، و فردوسی (۱۳۷۲)، هریک به گونه ای عوامل مؤثر و مرتبط با کاهش منزلت اجتماعی معلمان یا ارتقاء آن را بررسی کردند. با این توصیف نتایج پژوهش علی زاده و رضائی (۱۳۸۸) نشان می دهد که حرفه معلمی، منزلت اجتماعی متوسط رو به بالا دارد و این جایگاه تحت تأثیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان نیست و مطالعه روند منزلت اجتماعی حرفه معلمی نشان می دهد جایگاه این حرفه در دوره های سی ساله رو به کاهش بوده است. از این رو این پژوهش به دنبال سنجش سطح منزلت اجتماعی معلمان در بین دانش آموزان و [دانش پژوهان] پیش دانشگاهی و یافتن پاسخی برای سؤال های زیر بوده است:

- منزلت اجتماعی معلمان در بین دانش آموزان در چه سطحی است؟
- چه ارتباطی بین نقش شغلی معلمان و منزلت اجتماعی آنان وجود دارد؟

مبانی نظری

از نظر مارکس، مبنای نظام قشربندی همان رابطه مجموعه ای از انسان ها با ابزار تولید است. (کوزر، ۱۳۷۲: ۸۲). از نظر وی دو عامل اساسی در تشکیل طبقه دخیل است: شیوه تولید (کشاورزی، پیشه وری، صنعتی) و مناسبات تولید. (تامین، ۱۳۷۳: ۷)، مارکس جامعه را به دو گروه «دارا» و «ندار» تقسیم می کرد. (گرب، ۱۳۷۳: ۲۱). نهایت اینکه معیار گروهبندی های اجتماعی از نظر وی درآمد و ثروت و به عبارتی بعد اقتصادی بوده است.

ماکس وبر، طبقه اجتماعی را مفهوم چند بعدی می داند و سه عامل اساسی را در ایجاد آن مؤثر می داند که عبارتند از ثروت، قدرت و حیثیت [یا وجهه و منزلت اجتماعی]. (کوزر، ۱۳۷۰: ۱۸۶). در بعد ثروت، دارائی و سرمایه و درآمد مورد اشاره است و در بعد قدرت، توانائی اشخاص در تصمیم گیری های مهم و تأثیرگذار همچون تصمیم های حزبی و سیاسی مورد توجه است. و در بعد وجهه و منزلت، برخورداری از احترام مدنظر می باشد. خلاصه اینکه و بر علاوه بر مفهوم طبقه، دو مفهوم دیگر یعنی پایگاه و حزب را در قشربندی اجتماعی تشخیص داد. (ماکس وبر، ۱۳۶۷، گیدنز، ۱۳۷۶، ص ۲۴۴، تامین، ۱۳۷۳: ۱۲، گرب، ۱۳۷۳: ۷۷).

دورکیم. جوامع ما قبل صنعتی را دارای یک سری منزلت های موروثی می دانست. در حالی که معتقد بود: در جامعه مدرن ثروت و قدرت به اهدافی فی النفسه بدل می شوند و اغلب مردم ناتوان از دست یابی به اعتبار و پرستی بالا، زندگی شان را در تضاد با هنجارهای اجتماعی می یابند چنین تضادی با ارزش ها، منجر به هنجار گسیختگی و اخلال در نظم می شود که خود وضعیتی وخیم در جامعه صنعتی است. (لیست، ۱۳۸۱، لهسانی زاده، ۱۳۷۴).

پارسونز نه تنها مباحث مورد نظر ماکس وبر را به تفسیر کشاند بلکه نظریه مستقلی در این باره ارائه نموده است. (توسلی، ۱۳۷۳) پارسونز برای مسأله حفظ نظم اجتماعی اهمیت فوق العاده ای قائل بود کلید نظرات پارسونز توجه به این دو نکته است: اول، نظام فرهنگی (نتیانی، ۱۳۷۱: ۱۵۱) و تأیید آن بر رفتار مردم، دوم، نیازهای کارکردی کل نظام اجتماعی (توسلی، ۱۳۷۳). پارسونز نوع و درجه

قشربندی اجتماعی را با سایر خصوصیات مسلط جامعه تبیین کرده و بر این اساس مجموعه ای از فرضیه های کلی با کاربرد خیلی وسیع تدوین می کند. (تامین، ۱۳۷۳: ۱۷-۱۸). پارسونز علاوه بر تمایزش به بعد حیثیت، به جنبه قدرت در قشربندی اجتماعی نیز دلبستگی دارد. از نظر او قدرت یک پدیده اجتماعی مثبت و سازنده است زیرا قابلیت برای حصول به اهدافی در نظام اجتماعی است نه اینکه پدیده ای صرف منفی باشد. (لیست، ۱۳۸۱: ۱۵).

سرمایه اجتماعی بعد دیگری است که در اجتماعی و تعاملات اجتماعی و در نهایت طبقات اجتماعی نقش تعیین کننده دارد. بوردیو (۱۹۸۶) سرمایه اجتماعی را از سایر انواع سرمایه های اقتصادی، فرهنگی و نمادین متمایز می سازد و برای آن خصیصاتی تعاملاتی قائل است. بوردیو سرمایه اجتماعی را شبکه نسبتاً با دوامی از روابط کم و بیش نهادینه شده توأم با شناخت و تعهدات از جمله اعتماد متقابل می داند که به عنوان منابعی بالفعل یا بالقوه موجبات لازم را برای تسهیل کنش های فردی و یا جمعی کنش گران را فراهم می سازد. (مهدوی و ظهیری، ۱۳۹۰: ۵۴)

دیدگاه کارکردگرایی برای ساختارهای اقتصادی، سیاسی، آموزشی و دینی قائل به نقش هائی می باشند که این نقش ها در ایجاد ساختارهای مذکور مؤثر می باشد. (تامین، ۱۳۷۳، لیست، ۱۳۸۱) از نظر این دیدگاه هر فرد می تواند در عین حال، پایگاه و نقشی در تمام ساختارها داشته باشد. در واقع فرد کنش گر همچون خروجی الکتریکی چند منظوره در ساختارهای گوناگون قرار می گیرد. متفکران کارکردگرایی معتقدند که نابرابری سلسله مراتبی کلی است که می توان افراد براساس پایگاه نقش های متنوع خود قشربندی می شوند. از این دیدگاه شغل مهم ترین معرف رتبه کلی قشربندی است زیرا شغل نمایانگر نقش اجتماعی است و به لحاظ کارکردی اهمیت فراوان دارد. (وليامز، ۱۹۰۶، به نقل از گرب، ۱۳۷۱: ۱۲۱). بنا بر این، کارکردگرایان با تشویق نظام سلسله مراتبی و قشربندی و نقش های تخصیص یافته به افراد جامعه مبتنی بر مهارت و پایگاه اجتماعی آنان سعی در برقراری انسجام اجتماعی و وفاق اجتماعی دارند.

در دیدگاه تضاد، جامعه به عنوان تجمعی از نهادهای اقتصادی و سیاسی و دینی و آموزشی دیده می شود که همبستگی ضعیفی میانشان وجود دارد. از این دیدگاه توزیع نابرابری مالکیت، قدرت و حیثیت به مشابه امتیاز اجتماعی نگریسته می شود که نخبگان آن را به خود اختصاص داده اند و امتیازشان به زیان بقیه افراد جامعه تمام می شود؛ (تامین، ۱۳۷۳: ۱۹) در نتیجه از این دیدگاه قشربندی اجتماعی، سرچشمه ستیزه است لذا تاکید بر وجود دائمی گروه های اجتماعی ذینفع و رقابت جو در جامعه می باشند. از آنجائیکه کار عمده سازمان اجتماعی ارضاء نیازهای اساسی انسانی است لذا نظام تولیدی، هسته ای است که عناصر دیگر جامعه در اطرافشان سازمان یافته است، جامعه شناسی معاصر این تاکید را با اهمیت دادن به نظام توزیعی و اجزای قشربندی، پایگاه و اعتبار (پرستیژ) وارونه می سازد. اما برای مارکس، توزیع یک کارکرد وابسته به تولید است. (لیست، ۱۳۸۱: ۳۵۹).

دارندرف، لنسکی، الین رایت و پارکین از نویسندگان دوران معاصر می باشند که راجع به قشربندی اجتماعی سخن گفتند. هر کدام از این نویسندگان سعی در ارائه دیدگاه های ترکیبی نمودند به این معنی که همه آنها در دو دیدگاه تضاد و کارکردگرایی، کاستی ها و محاسنی را مشاهده نمودند و در صدد کاستی زدائی و ترکیب گرائی محاسن دو دیدگاه برآمدند.

دارندرف در کل تحت تأثیر مارکس معتقد است که تضاد طبقاتی جزء لاینفک ساختار اجتماعی است ولی برخلاف مارکس معتقد است که در جامعه بعد از سرمایه داری، کشمکش و تضاد نهادی شده است و در مورد توجه قواعد بازی موافقت کرده و نهادهائی به وجود آورده اند که به فرایند تضاد نظم می بخشد. (گرب، ۱۳۷۳) یکی از ویژگی های اساسی دیدگاه لنسکی^۱ این است که نابرابری چند بعدی است و از نظر وی عواملی چون مالکیت دارائی، شغل، تحصیلات، دین، قومیت، جنسیت و سن در ایجاد سلسله مراتب اجتماعی مؤثر است. (لسکی، ۱۹۶۶).

رایت، جامعه شناس آمریکائی است که ضمن توجه به دو نوع سرمایه داری انتزاعی و سرمایه داری واقعی، گروه سومی را که دارای موقعیت مبهمی هستند نیز شناسائی نمود و آن را با عنوان «جایگاه های متناقض»^۲ می نامد، زیرا افرادی که در این گونه

جایگاه های طبقاتی قرار گرفتند نه سرمایه دارند و نه کارکردی و با وجود این ویژگی های مشترکی را با هر یک از آنها دارند. (گیدنز، ۱۳۷۶: ۲۴۶)

پارکین^۳ نیز از نویسندگان بریتانیایی است که متأثر از اندیشه وبر است و همانند مارکس و وبر قائل است که مالکیت شالوده اصلی ساخت طبقاتی است ولی علاوه بر مالکیت و دارائی، ویژگی هایی همچون خاستگاه قومی، زبان و مذهب را در ارتباط با اختلافات پایگاهی مورد استفاده قرار می دهد. و خلاصه اینکه وی با پیروی از وبر سعی نموده است از تک بعدی بودن مارکسیست پرهیزد و در کنار مالکیت و دارائی، ویژگی های قومی، زبان و مذهب و از همه مهمتر مدارک رسمی مثل مدارک تحصیلی را در ایجاد حصر اجتماعی شناسائی کند. (پارکین، ۱۹۷۹: ۹، ۸۹، به نقل از گرب، ۱۳۷۳) چلبی از نویسندگان ایرانی است که چهار نوع منبع ارزشمند برای ایجاد رتبه اجتماعی شناسائی می کند که عبارتند از: دارائی اقتصادی، دارائی سازمانی، دارائی شهرت یا اعتبار اجتماعی و دارائی فرهنگی یا سرمایه فرهنگی. چلبی نقش های اجتماعی را به دو نقش افقی و عمودی تفکیک می کند در تفکیک افقی، نقش ها به اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم شوند و در تفکیک عمودی، نقش ها به راهبردی، با نفوذ، کمکی و عمودی تقسیم شده بودند. از نظر او معلمان دارای نقش کمکی در حوزه فرهنگی می باشند و از لحاظ ساختار نظام قشربندی معاصر در طبقه متوسط قرار می گیرند. (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۷۰-۱۷۴). گیدنز جامعه شناس انگلیسی عصر حاضر می باشد که با ترکیب و اصلاح نظرات دانشمندان کلاسیک نظیر مارکس، دورکیم و وبر نظریه ساخت یابی را مطرح نموده است. او در تحلیل نظرات خود از قشربندی اجتماعی با تأثیرپذیری از وبر، به صورت انعطاف پذیرتر و دقیق تر با این مسأله برخورد نموده است و علاوه بر پذیرش ایده مارکس مبنی بر ماهیت دوگانه ساختار طبقه ای، مفهوم طبقه متوسط را وارد ساختار طبقه ای نموده و آن را از حالت ماهیت دو گانه خارج ساخته است. جایگاه معلمان در ساختار طبقاتی مورد نظر گیدنز در طبقه متوسط پایین می باشد (گیدنز، ۱۳۷۵: ۲۳۸، ۲۴۷) گیدنز استدلال می کند که سه حقوق، قدرت یا ظرفیت یعنی دارائی، آموزش یا مهارت و نیروی کار یدی، بنیان "ساختاری طبقاتی سه گانه ای" است که در تمام جوامع سرمایه داری یافت می شود (گرب، ۱۳۷۲: ۲۰۵).

چارچوب نظری

در ادامه به منظور یک جمع بندی مناسب و تعیین چارچوب نظری، همه نظریه هایی را که تاکنون مطرح نموده ایم در قالب جدول زیر با همدیگر مقایسه کردیم:

جدول ۱: مقایسه ابعاد گوناگون قشربندی اجتماعی از نظر جامعه شناسان

ردیف	نام صاحب نظر	اقتی	عمودی	شاخص ها	ساخت طبقه
۱	مارکس	اقتصادی	مالکیت	دارائی ثروت و زمین	دوگانه (بالا و پایین)
۲	ماکس وبر	اقتصادی-سیاسی-اجتماعی-فرهنگی	مالکیت-قدرت-منزلت اجتماعی	دارائی ثروت، وابستگی حزبی و گروهی، مذهب، سن، شغل، نژاد، قومیت و جنسیت	دوگانه (بالا و پایین)
۳	دورکیم	اقتصادی-سیاسی-اجتماعی	مالکیت-قدرت-بعد کارکردی منزلت	پایبندی به بعد کارکردی همه موارد فوق	موردتوجه قرار نگرفت
۴	پارسونز	اقتصادی-سیاسی-اجتماعی-فرهنگی	مالکیت-قدرت-منزلت نظام شخصیت	ثروت، شغل، سن، مذهب، نژاد، قومیت، جنسیت	موردتوجه قرار نگرفت
۵	دارندرف	اقتصادی-سیاسی-اجتماعی-فرهنگی	مالکیت-قدرت-منزلت	همه موارد فوق	سه بعدی (بالا-متوسط-پایین)
۶	لنسکی	اقتصادی-سیاسی-اجتماعی-فرهنگی	مالکیت-قدرت-منزلت	مالکیت دارائی، شغل، تحصیلات، دین، قومیت، نژاد، جنسیت و سن	سه بعدی (بالا-متوسط-پایین)
۷	رایت	اقتصادی-سیاسی-اجتماعی-فرهنگی	دارائی ثروت، دارائی قدرت، دارائی منزلت، دارائی آموزش	همه موارد فوق	سه بعدی (بالا-متوسط-پایین)
۸	چلبی	اقتصادی-سیاسی-اجتماعی-فرهنگی	ثروت مادی، قدرت سیاسی، منزلت اجتماعی، دارائی آموزش	ثروت، شغل، سن، مذهب، نژاد، قومیت، جنسیت، تحصیلات	بسط طبقه در ابعاد مختلف: نخبگان (ممتاز) با نفوذ (بالا) کمکی (متوسط) عادی (کارکن) محرومین (ذخیره)
۹	گیدنز	اقتصادی-سیاسی-اجتماعی-فرهنگی	ثروت، قدرت، منزلت اجتماعی، آموزشی و مهارت	ثروت، شغل، سن، مذهب، نژاد، جنسیت، تحصیلات، مهارت	بالا، متوسط، متوسط قدیم، متوسط بالا، متوسط پائین، کارگر بالا، کارگر پایین، فقیر

چنانچه در جدول فوق مشخص است بعد از مارکس هر یک از جامعه شناسان درصدد کاهش کاستی های نظریه مارکس و جامعه شناسان قبلی خود بودند تا جائیکه جامعه شناسان معاصر کوشیدند تقلیل گرائی ایجاد شده در میان دو رویکرد کارکردگرائی و تضاد را از بین ببرند و با اتخاذ یک دید ترکیب گرائی از این حیطه تک بعدی و یا دو بعدی خارج شوند با این توصیف بعضی از این صاحب نظران همچنان گرایش خود به یکی از دو رویکرد مطرح کارکردگرائی و تضاد را حفظ نمودند به عنوان مثال دارندرف گرچه سعی نمود خود را با کارکردگرایان نزدیک نماید ولی با دوگانه دانستن ماهیت قدرت همچنان نزدیکی خود را با مارکس حفظ نمود یا روح تضادگرائی همچنان در نظرات لنسکی به طور شدید محسوس است. رایت و چلبی با وارد نمودن متغیر دارائی آموزشی، بعد عمودی قشربندی اجتماعی را توسعه داده اند اما گیدنز همین بعد را با وارد نمودن متغیر مهارت، توسعه بیشتری داده است. بنابراین نظرات گیدنز در بعد عمودی قشربندی اجتماعی فراگیرتر از سایر صاحب نظران می باشد. مزید بر اینکه با ارائه نظریه ساخت یابی خود امکان تبیین قشربندی اجتماعی را به شکل پویاتر و متفاوت تر از قبل فراهم نموده است. از این رو این نظریه به عنوان چهارچوب نظری پژوهش در بعد جامعه شناختی انتخاب گردید.

فرضیه های پژوهش

منزلت اجتماعی معلمان از نظر دانش آموزان در سطح متوسط می باشد.
 بین ویژگی های فردی معلمان و منزلت اجتماعی آنان در بین دانش آموزان رابطه وجود دارد.
 بین مهارت های حرفه ای معلمان و منزلت اجتماعی آنان در بین دانش آموزان رابطه وجود دارد.
 سطح منزلت اجتماعی معلمان از نظر دو گروه دانش آموزان دختر و پسر متفاوت است

روش شناسی

این پژوهش مبتنی بر روش توصیفی - پیمایشی بود و جامعه (جمعیت) آماری آن عبارت بود از : کلیه دانش آموزان (دانش پژوهشان) مراکز پیش دانشگاهی روزانه استان قم. بنابر اطلاعات بدست آمده از کارشناسی پیش دانشگاهی سازمان آموزش و پرورش استان قم، تعداد این گروه از دانش آموزان ۴۷۶۱ نفر بودند. طبق محاسبات آماری و فرمول کوکران و با احتساب ضریب تصحیح یتس، ۳۳۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند با توجه به ویژگی افراد جمعیت آماری (دانش آموزان) مثل تعلق به طبقات مختلف اجتماعی و پراکندگی آنان در نقاط مختلف شهر استان قم (بالاشهر، پایین شهر و...) و همچنین لحاظ جنسیت، در این پژوهش از روش نمونه گیری طبقه بندی استفاده شد و سهم هر طبقه یا گروه از جمعیت آماری، به روش طبقه ای نسبی تعیین گردید. ابزار گردآوری داده ها در این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته ای بود که در مقیاس طیف لیکرت مدرج گردید و ضمن لحاظ اعتبار نمونه گیری و اعتبار صوری، بر اساس آلفای کرونباخ، پایایی آن به شرح زیر بود:
 الف: میزان پایایی سئوال های مربوط به منزلت اجتماعی معلمان بیش از ۷۷ درصد بوده است.
 ب: میزان همبستگی و پایایی سئوال های مربوط به ایفای نقش معلمان (ویژگی های فردی، مهارتی و مفید بودن) حدود ۸۹ درصد بوده است.

نتایج و یافته های پژوهش

در ادامه به یافته ها و نتایج پژوهش که بر اساس ترتیب فرضیه ها تنظیم شده است می پردازیم:

جدول ۲: سطح منزلت اجتماعی معلمان از نظر دانش آموزان

متغیرها	شاخص ها	میانگین	انحراف	واریانس	رتبه
حیث اجتماعی	انتخاب همسر معلم، احترام قائل شدن به معلمان، محبوب بودن و....	۳/۳۶	۱/۶۹	۱/۴۷۷	۵
حیث اقتصادی	جایگاه معلمان با توجه به وضعیت اقتصادی و درآمد ها و....	۳/۷۹	۱/۷۲	۱/۵۲	۱
رجحان شغلی	انتخاب شغل معلمی، ترجیح و انتخاب رشته های دبیری و تربیت معلم در کنکور سراسری، توصیه به دیگران جهت انتخاب شغل معلمی و....	۲/۹۶	۱/۹۸	۱/۹۷	۶
تحصیلات	با اهمیت بودن مدرک بالا، میزان اهمیت مدارک تحصیلی به تفکیک دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکتری	۳/۳۷	۱/۸۰	۱/۶۴	۴
سن	میزان محبوبیت معلمان بر حسب سن جوانی، میان سالی و مسن بودن	۳/۶۴	۱/۶۶	۱/۴۴	۲
مذهبی بودن	محبوب بودن معلمان یا غیر محبوب بودن بر حسب رفتار، گفتار و ظواهر مذهبی یا برعکس آن و داشتن اطلاعات مذهبی و برعکس	۳/۳۸	۱/۷۶	۱/۵۸	۳

نتایج فوق حاکی از این است که از نظر دانش آموزان، بعد حیث اجتماعی معلمان بیشتر از بعد حیث اقتصادی آنان خدشه پذیر است. ارزیابی دانش آموزان از متغیر رجحان شغلی به عنوان آخرین مرتبه از میان متغیرهای مورد نظر، خود تا حدودی مؤید این قضیه می باشد زیرا بین حیث اجتماعی یک شغل و رجحان شغلی آن در جامعه رابطه وجود دارد، به این معنا که هر چه حیث اجتماعی یک شغلی در جامعه بالا باشد احتمال رجحان شغلی آن، در آن جامعه و انتخاب آن به عنوان یک شغل بالاتر وجود دارد گرچه از جهت اقتصادی در مرتبه بالایی نباشد. به عنوان مثال همه هنرپیشه ها ممکن است در جامعه ای از موقعیت اقتصادی خوبی

برخوردار نباشند مگر هنرپیشه های شاخص و ستاره، چه بسا هنرپیشه هائی که بسیار و محدود برای اجرای نمایش فیلم، تئاتر و مجموعه تلویزیونی دعوت شوند و حقوق قابل توجهی هم دریافت نکنند. ولی این شغل فی نفسه برای خیلی از افراد از حیثیت اجتماعی بالائی برخوردار است در نتیجه از رجحان شغلی بالائی نیز برخوردار است یعنی اینکه خیلی ها ترجیح می دهند در صورت وجود زمینه های لازم این شغل را انتخاب نمایند. بنا براین با توجه به نتیجه فرضیه شماره یک، می توان بر گفته اینگلهارت صحنه گذاشت که می گوید: «فرامادیون درآمد کمتری از مادیون دارند اما دارای مشاغلی هستند که وجهه آن از مشاغل مادیون بیشتر است.» (ینگلهارت، ۱۳۷۲: ۲۰۰). در نهایت برای سنجش سطح منزلت اجتماعی معلمان همه متغیرهای شش گانه و شاخص های جدول فوق را به روش comput با هم ترکیب و ادغام نمودیم و یک متغیر کلی وجدیدی تحت عنوان منزلت اجتماعی معلمان ایجاد نمودیم.

جدول ۳: میانگین نمرات منزلت اجتماعی معلمان بر حسب کلیه متغیرهای مربوطه به وجهه شغلی

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	واریانس
منزلت اجتماعی معلمان	۳/۳۷	۰/۴۸۴	۰/۲۳۵

با توجه به نمره گذاری گویه ها در مقیاس طیف لیکرت از نمره ۱ تا ۵ میانگین نمرات به دست آمده (۳/۳۷) نشان می دهد که در کل، منزلت اجتماعی معلمان در نزد دانش آموزان در سطح متوسط است. در نتیجه فرضیه شماره یک تأیید شده است. این یافته و نتیجه تا حدود زیادی با ساختار پرستیژ شغلی جهانی و ایران یکسان است. و با یافته ها و نظرات هات و نورث (۱۹۴۷)، گیدنز (۱۳۷۶)، نایی (۱۳۸۱)، چلبی (۱۳۷۵) علی زاده و رضائی (۱۳۸۸) همخوانی دارد. زیرا از نظر همه این افراد، شغل معلمی و منزلت اجتماعی آن در حد متوسط یا بیش از متوسط ارزیابی شده است.

جدول ۴: وجود رابطه بین ویژگی های فردی معلمان و منزلت اجتماعی آنان در بین دانش آموزان

متغیرها	شاخص ها	میانگین	انحراف معیار	واریانس
ویژگی ها و بعد رفتاری معلمان	داشتن شناخت و آگاهی معلمان از دانش آموزان، همکاری و داشتن ارتباط صمیمی با دانش آموزان، حوصله داشتن در پاسخگویی سئوالات، رعایت عدالت و برابری در برخورد با دانش آموزان، رفتار احترام آمیز یا رفتار آمرانه و...	۳/۲۶	۰/۵۹	۰/۳۵
ویژگی ها و بعد جسمانی معلمان	نحوه و نوع پوشش و لباس، آراستگی، تناسب اندام و...	۳/۵	۰/۷۵	۰/۵۷

یافته های این بخش از پژوهش حاکی از این بود که ارتقاء سطح رفتاری و جسمی معلمان در افزایش منزلت معلمان در بین دانش آموزان مؤثر است به عبارت ساده تر، حسن سلوک و رفتار معلمان و آراستگی و نشاط آنان با عث محبوبیت و احترام بیشتر برای آنان در بین دانش آموزان می شود. برای سنجش رابطه بین ویژگی های فردی معلمان با سطح منزلت اجتماعی آنان در بین دانش آموزان، نخست ویژگی های فردی معلمان را اعم از رفتاری و جسمی با هم ادغام نمودیم و یک متغیر کلی تری با عنوان "ویژگی های فردی معلمان" ایجاد نمودیم سپس ارتباط این متغیر جدید را با متغیر منزلت اجتماعی معلمان، با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن مورد سنجش قرار دادیم.

جدول ۵: بررسی همبستگی میان منزلت اجتماعی و ویژگی های فردی معلمان

		منزلت اجتماعی	ویژگی های فردی
Spearman's rho	منزلت اجتماعی	Correlation Coefficient	1.000
		Sig. (2-tiled)	.000
		N	327
	ویژگی های فردی	Correlation Coefficient	.427
		Sig. (2-tiled)	.000
		N	320

** correlation is significant at the .01 level (2-tiled)

با توجه به میزان همبستگی منزلت اجتماعی معلمان و ویژگی های فردی معلمان که حدود ۴۳٪ بود به این نتیجه رسیدیم که رابطه بین این دو متغیر مثبت و شدت آن در سطح متوسط می باشد. مشاهده نمودار پراکنش، همین نتیجه را نیز تأیید می کرد. با توجه به جدول فوق که سطح معنی داری را به میزان Sig=000 نشان می دهد. نتیجه گرفتیم که رابطه بین منزلت اجتماعی معلمان و ویژگی های رفتاری آنان به احتمال بیش از ۹۹ درصد معنی دار می باشد. بنا بر این فرضیه دوم نیز تأیید شده است.

نتایج این بخش از پژوهش با نتایج پژوهش های صادقی کلشادی (۱۳۸۲)، گوناگونی (۱۳۷۴) و دان هیل (۱۳۸۴) همخوانی دارد. از نظر دان هیل، آراستگی معلمان و پوشش مناسب آنان باعث احترام بیشتر آنان در بین دانش آموزان می شود همچنین صادقی کلشادی در پژوهش خود نشان داد که ویژگی های فردی معلمان (خصوصیات اخلاقی، تعامل اجتماعی، خصوصیات ظاهری و...) بیشتر از سطح متوسط در پایگاه اجتماعی معلمان مؤثر بوده است.

برای سنجش این فرضیه وجود رابطه بین مهارت های حرفه ای معلمان و منزلت اجتماعی آنان، چهارده سوال در قالب طیف لیکرت طراحی و در اختیار پاسخگویان قرار گرفت این سوال ها مواردی مثل شیوه تدریس معلم، خلاقیت معلم، استفاده بهینه از زمان و وقت کلاس، توان پاسخگویی به پرسش های دانش آموزان، به روز بودن معلومات معلم، توان کنترل، هدایت کلاس، احساس مسئولیت و مشارکت دادن دانش آموزان در فرایند تدریس و سایر موارد را می سنجیدند. در نهایت با ادغام مجموعه چهارده سوال مزبور یک متغیر کلی و جدیدی با عنوان "مهارت های حرفه معلمی" ایجاد نمودیم. به روشی که در فرضیه دوم مطرح گردید این متغیر کلی و جدید با نمره کلی منزلت اجتماعی معلمان با استفاده از همبستگی اسپیرمن، در ارتباط گذاشته شد و این نتیجه حاصل گردید که بین مهارت های حرفه معلمی و منزلت اجتماعی معلمان در بین دانش آموزان رابطه وجود دارد و این رابطه در جهت مثبت و در سطح متوسط بوده و به احتمال بیش از ۹۹ درصد معنی دار نیز می باشد. بنابراین فرضیه شماره سه نیز تأیید شد.

جدول ۶: مقایسه میانگین نمرات منزلت اجتماعی معلمان بر حسب جنسیت پاسخگویان

نام متغیر	میانگین نمرات منزلت اجتماعی معلمان	انحراف معیار	واریانس
۱- دختر	۳/۴۶	/۵۰	/۲۵۴
۲- پسر	۳/۲۳	/۴۲	/۱۷۶

یافته های مقایسه ای نشان داد که نمرات اجتماعی معلمان در بین دانش آموزان دختر کمی بیشتر از آن در بین دانش آموزان پسر می باشد. بخشی از این تفاوت تحت تأثیر ترجیح شغل معلمی در نزد دختران می باشد بیش از ۷۰ درصد دختران علاقه مند به انتخاب شغل معلمی بودند در حالی که ۴۴ درصد پسران علاقه مند به انتخاب این شغل بودند. همچنین ۶۵ درصد دختران تمایل به انتخاب اولویت های رشته های دبیری و مراکز تربیت معلم را داشتند ولی ۴۲ درصد پسران تمایل به انتخاب این نوع رشته ها را داشتند. این تفاوت می تواند به علت مناسب بودن شغل معلمی برای زنان و دختران در جامعه کنونی ایران باشد. طبق آزمون

ناپارامتریکی من وایتنی یو، به احتمال بیش از ۹۹ درصد تفاوت میانگین نظرات دو گروه دانش آموزان دختر و پسر نسبت به منزلت اجتماعی معلمان معنی دار می باشد. بنابراین فرضیه شماره چهار نیز تأیید شد.

نتیجه گیری

تاکنون بیان نمودیم: قشربندی اجتماعی فرایندی است که از طریق آن جایگاه اعتبار و حیثیت افراد هر جامعه متناسب با فرهنگ آن جامعه تعیین و مشخص می شود. کسب اعتبار و حیثیت از منابع مختلفی نظیر سیاست، اقتصاد، اجتماع و یا فرهنگ بدست می آید، این امر بستگی به این دارد که افراد در کدام یک از این ابعاد نقش آفرینی نمایند. معلمی از مشاغلی است که در بعد فرهنگی جامعه ایفای نقش می کند و همیشه درسلسه مراتب اجتماعی، جایگاه اجتماعی آن مورد توجه بوده و هست. از نظر بیکر و تریمن (۱۹۷۷) تا حدودی مردم سراسر جهان، مشاغل را به طور یکسان و مشابه رتبه بندی می کنند. یافته های پژوهش حاضر بیان گر این است که سطح منزلت اجتماعی معلمان در بین دانش آموزان، کمی بیش از سطح متوسط بوده است. این نتیجه با برخی از یافته های خارجی و داخلی مثل گیدنز (۱۳۷۵) هات و نورث (۱۹۴۷)، پاپلتون و رایز بروگ (۱۹۹۰)، (دینهام و اسکات، ۲۰۰۰)، (هویل، ۱۹۹۵)، (تریمن، ۱۹۷۷) (لین، ۱۹۹۹)، چلبی (۱۳۷۵)، نایی (۱۳۸۱) و (علی زاده و رضائی (۱۳۸۸)، همخوانی دارد. در دهه های اخیر اعتراضات، تجمعات و تحصن های معلمان در ایران، نسبت به وضعیت اقتصادی و معیشتی خود، که در بیان مسأله به آن ها اشاره نمودیم این تصور را ایجاد کرده بود که وضعیت اقتصادی و معیشتی معلمان، باعث کاهش و تنزل منزلت اجتماعی معلمان شده است. اما یافته های این پژوهش حاکی از این است که نامناسب بودن وضعیت اقتصادی آنان باعث کاهش منزلت اجتماعی معلمان در نزد دانش آموزان نشده است و این نتیجه مؤید نظر اینگلهارت می باشد که قائل است: "فرامادیون درآمد کمتری از مادیون دارند اما دارای مشاغلی هستند که وجهه آن از مشاغل مادیون بیشتر است." (اینگلهارت، ۱۳۷۲: ۲۰۰). یافته های پژوهشی علی زاده و رضائی (۱۳۸۸) نیز حاکی از این موضوع می باشد. اما برعکس بعد مهارتی و حرفه ای معلمان از نظر دانش آموزان بیشتر زیر سوال رفته است و تأثیر بیشتری در کاهش منزلت اجتماعی معلمان داشته است. ضعف مهارتی و حرفه ای برخی از معلمان، به این بر می گردد که برخی از آنان، مهارت های لازم را در به کارگیری وسایل آموزشی و فن آوری نوین ندارند. یا معتقد به استفاده از روش های سنتی هستند. همان گونه که بین مهارت های حرفه ای معلمان و منزلت اجتماعی آن رابطه وجود دارد بین ویژگی های فردی معلمان (اعم از ویژگی ها جسمی و رفتاری) و منزلت اجتماعی شان نیز رابطه وجود دارد. بنابراین پیشنهاد می شود ضمن توجه به وضعیت معیشتی و رفاهی معلمان، به ارتقاء مهارت های شغلی و حرفه ای آنان توجه شود. همچنین در انتخاب و استخدام معلمان، افرادی به کار گرفته شوند که از صلاحیت های فردی، توانمندی های لازم و داشتن انگیزه کافی برای این شغل برخوردار باشند.

پی نوشت ها

1. Leneski
2. Contradictory
3. Frank Parkin

منابع

۱. استونر، راب (۱۳۸۱). **متفکران بزرگ جامعه شناسی**. ترجمه مهرداد میردامادی. تهران: مرکز،
۲. اعظم آزاد، منصور (۱۳۷۹). «عدم تناسب در ابعاد پایگاه اجتماعی و پیامدهای اجتماعی و روانی آن». رساله دکتری، رشته جامعه شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۳. افلاکی فرد، حسین (۱۳۸۰). «بررسی منزلت اجتماعی معلم در نظام تعلیم و تربیت اسلامی از آرمان تا واقعیت». پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم تربیتی، دانشگاه شیراز.
۴. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۲). **تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی**. ترجمه مریم وتر. تهران: کویر،
۵. با تامور، تی بی (۱۳۷۰). **جامعه شناسی**. ترجمه سیدحسن منصور و سیدحسن حسینی کلجاهی. تهران: امیرکبیر،
۶. تاملین، ملوین (۱۳۷۳). **جامعه شناسی قشربندی اجتماعی و نابرابری های اجتماعی**. ترجمه عبدالحسین نیک گهر. تهران: توتیا،
۷. تنهائی، حسین ابوالحسن (۱۳۷۱). **درآمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی**. تهران: مرنديز،

۸. توسلی، غلامعباس (۱۳۶۹). **نظریه های جامعه شناسی**. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۹. چلبی، مسعود (۱۳۷۵). **جامعه شناسی نظم**. تهران: نی،
۱۰. دان هیل، جیمس (۱۳۸۴) **آئین کلاس داری**. ترجمه جمشید بهروز. تهران: عطائی،
۱۱. سحرخیز، ابراهیم (۱۳۷۶). «بررسی راه های افزایش پایگاه منزلت اجتماعی معلمان از دیدگاه روسای ادارات و مدیران دبیرستان استان همدان»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان.
۱۲. شاهی، سکیته (۱۳۸۱). «بررسی نظرات دبیران دبیرستانهای اصفهان درباره چگونگی ارزشیابی آموزشی از دبیران به منظور ارائه یک راهبرد مناسب و علمی روند ارزشیابی آموزش کشور». پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان.
۱۳. صادقی کلیشادی، زهرا (۱۳۸۲). بررسی موقعیت اجتماعی دبیران از دیدگاه دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان.
۱۴. علی زاده، ابراهیم و رضائی، علی محمد (۱۳۸۸). بررسی منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیردبیرستان و آموزگار دبستان) و تغییرات آن در طول سه دهه گذشته. **فصلنامه نوآوری آموزشی**، ۲۹، سال هشتم، بهار.
۱۵. قاسمی نژاد، احمد و رضا اسماعیلی (۱۳۸۳). بررسی شأن و موقعیت اجتماعی معلمان از دیدگاه دانش آموزان مدارس راهنمایی تحصیلی و متوسطه اصفهان. **فصلنامه آموزه**، شماره ۲۳، پاییز ۸۳.
۱۶. قائم پور، محمدعلی (۱۳۷۶). **ارزشیابی از مراکز تربیت معلم استان قم**. معاونت برنامه ریزی اداره کل آموزش و پرورش استان قم.
۱۷. گتزلز، جی (۱۳۷۵). **روانشناسی اجتماعی**. ترجمه یوسف کریمی. تهران: ویرایش.
۱۸. گرب، ادواردج (۱۳۷۳). **نابرابری های اجتماعی: دیدگاههای نظریه پردازان کلاسیک و معاصر**. ترجمه محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی زاد. تهران: معاصر.
۱۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). **جامعه شناسی**. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نی.
۲۰. لیست، سیمور مارتین (۱۳۸۱). **جامعه شناسی قشرها و نابرابری های اجتماعی**. ترجمه جواد افشار کهن. مشهد: نیکا.
۲۱. میچل، ترنس. آر. (۱۳۸۳) **مردم در سازمان ها**. ترجمه شکرکن. چاپ سوم. تهران: رشد.
۲۲. مهدوی، سیدمحمدصادق و هوشنگ ظهیری (۱۳۹۰). نقش سرمایه اجتماعی درون خانواده برسبک اجتماعی شدن فرزندان. **مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، سال سوم، شماره ۳، صص ۵۱-۶۴.
۲۳. مهرمحمدی، محمود (۱۳۷۹). **تربیت معلم اولویت جنبش جهانی برای بهسازی و تربیت معلم**، پژوهشکده تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش.
۲۴. نیک گهر، عبدالحسین (۱۳۶۹). **مبانی جامعه شناسی**. تهران: رایزن.
۲۵. وپر، ماکس (۱۳۶۷). **مفاهیم اساسی جامعه شناسی**. ترجمه احمد صدارتی. تهران: مرکز.
26. Hoyle, E (1995). **Social status of teaching**. The International Encyclopedia of Teaching and Teacher Education (2rd Ed.). New York: Elsevier Science Inc.
27. Flanders, N (1965). Teacher in fluency, pupil attitudes, and achievement. cooperative Research Monograph,
28. Flanders, N.A(1995). personal – social Anxiety as a factor in experimental learning situations. **Journal of Educational Research**,
29. Giddens, Anthony. (1986). **Sociology a brief but critical introduction (SECONDEDITION)**. London: MACMILAN.
30. W.F. (1954). **Teacher and teaching**. New York, McMillan.
31. Rosenshine, B.(1971). **Teaching behaviors and student achievement**. London. National Foundation for Educational Research.